

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اردوغان و دست‌آوردهای بیست‌ساله از موقف سیکولریزم

(ترجمه)

اردوغان که امروز حاکم تحت حمایت امریکا در ترکیه است، برای سیاست‌های امریکا در منطقه خوش‌خدمتی می‌کند و جهت تأمین مصالح امریکا گام برمی‌دارد. از همه مهم‌تر این‌که یکی از مهره‌های شترنج امریکا در بازی دور ساختن اسلام از قدرت است؛ یعنی او در حکومت همانند مصطفی کمال (نابودکننده‌ی خلافت اسلامی) و سایر حکام سکولری است که بعد از مصطفی کمال آمدند و بغیر ما انزل الله حکم راندند. فرق میان آنان و اردوغان در اینست که آن‌ها با اسلام دشمنی داشتند؛ اما اردوغان دشمنی ندارد. به عبارت دیگر، او اسلام را خالی از نظام سیاسی دانسته و آن را صرف عبارت از شعایر عبادی از قبیل نماز، روزه، حج، زکات و غیره می‌پندارد. بر همین مبنا، او همانند سایر حکام ترکیه و سرزمین‌های اسلامی به احکام کفری حکم می‌راند و با کسانی که می‌خواهند حکومت الهی را اقامه کنند، می‌جنگد؛ زیرا روش غیر دینی انتخاب نموده است.

پس بر مسلمانی که می‌خواهد اردوغان را رهبر حساب کند، لازم است بسوی او و اعمالش با دوچشم باز نگاه کند؛ نه با یک چشم. چشمی که می‌بیند، او نماز و روزه می‌گذارد، با تجوید قرآن می‌خواند و مساجد را افتتاح می‌کند؛ چشمی که ببیند او بغیر ما انزل الله داور می‌کند، در سیاست‌هایش پهلوی به پهلوی امریکا در تنفیذ نقشه‌های استعماری و گمراه‌کننده‌اش در سرزمین‌های مسلمانان و در جنگ آن علیه اسلام، در افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه و غیره حرکت می‌کند؛ آن‌که با تمام تکبر و ناترسی از الله قصدش را مبنی بر ایجاد پل‌های ارتباطی با نظام بشار اسد و تلاش برای ایجاد صلح میان بشار اسد و مسلمین باقی مانده از جنگ که در دره‌ها پراکنده و سرگردان هستند، اعلان می‌کند و نیز رابطه‌ی دوستانه‌اش با اسرائیل، اعم از استخباراتی، نظامی، اقتصادی و گردشگری. همچنان سیاست اقتصادی بر مبنای ربا (سود نامشروع) ... نیز قابل تذکر است.

باید بگوییم: واضح‌ترین دلیلی که اردوغان را مفتضح می‌کند، اینست که اگر او متدین بر همان دینی می‌بود که الله و رسولش می‌خواهد، بدون شک اولین کسانی که با او می‌جنگیدند، دشمنان الله و رسول او از جمله یهود، امریکا و اروپا بود؛ بلکه او با آن‌ها تعامل می‌کند و آن‌ها نیز با او معامله دارند.

بدون شک، اسلام و سیکولریزم دو خط متوازی هستند که به هیچ عنوان باهم جمع نمی‌شوند. اسلام بر اساس عقیده‌ی "لا اله الا الله محمد رسول الله" استوار است؛ اما سیکولریزم بر اساس عقیده‌ی "جدایی دین از دولت" استوار است. هر مسلمانی چه حاکم و چه محکوم باید اساس تفکر، مقیاس اعمال و تصرفاتش را در زندگی عقیده‌ی اسلامی قرار دهد و در این مسئله هیچ اختیاری ندارد. دوجیز بیشتر نداریم، قضیه یا حق است و یا باطل. اسلام دین برحق الهی است؛ پس غیر آن هرچه باشد، باطل است. الله متعال فرموده است:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ

ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [احزاب: ۳۶]

ترجمه: زمانی که الله و پیامبرش امری را حکم می‌کنند، برای هیچ مرد و زن مسلمانی در کارشان اختیاری نیست و کسی که از الله و رسولش نافرمانی کند، بدون شک گمراه آشکار است.

برای محافظت ازین مبدأ، اسلام محاسبه‌ی حاکم و محکوم را زمانی که در تطبیق دین الله تغییر آورده و یا کوتاهی کردند، بطور مساویانه مشروع ساخته است؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر در کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت پیامبرش صلی الله علیه و سلم بطور مطلق آمده است و مقید به طلب اجازه به رخصت و یا تخصیص نشده است. مسلمان‌ها در زمان حاکمیت خلفای راشدین، اموی‌ها و عباسی‌ها حاکمان خویش را مورد محاسبه قرار می‌دادند. میان محاسبه و امر به معروف نمودن حاکمی که بر اساس اسلام و حاکمی که بر اساس سیکولریزم حکم می‌راند، فرق بسیار زیادی است. چنانچه حالت حاکمان فعلی امت اسلامی این‌گونه است.

خلاصه این‌که بعد از نابود کردن دولت خلافت اسلامی عثمانی در سال 1924م استعمار بیگانه نفوذ خود و نظام‌های سیکولریستی خویش را در سرزمین‌های اسلامی پهن نموده و سپس در ساخت مزدورانی از حاکمان خیانت‌کاری که مسلمانان را با روش‌های پلید و مکارانه‌ی خویش گمراه نمودند، ابتکار به خرج می‌دهد؛ آنانی که با بازی بر برگه‌های قومی، وطنی یا بنام تمدن مسلمانان را از دین‌شان دور می‌سازند؛ یا هم گاهی مسلمانان را به آنچه نه سیر می‌کند و نه از گرسنگی نجات می‌دهد، سرگرم می‌سازند.

نزد هر حاکمی روش‌ها و ابزار فریبنده‌ی خاصی برای فریب دادن مسلمانان موجود است. درین اواخر مسلمانان با بیداری خویش از برگه‌های دموکراسی گذشته اند، به روابط پست و بدبو، پشت کرده اند و با تیر در مقابل نظام‌های فاسد قرار گرفته اند. بنابر این، برای استعمار چاره‌ای مانده، جز این‌که برگه‌ی بامهر اسلامی پیشکش کند تا به دیموکراسی‌اش مسلمانان را راضی سازد. برای مسلمانان سزاوار است تا بیدار باشند و روش‌های دشمنان و مزدورانش را بشناسند و از گزندهایی که رسیدن اسلام به حاکمیت را به تعویق می‌اندازد، بر حذر باشند.

آنچه باعث می‌شود حقایق مربوط به اردوغان فریب‌کار را پیشکش کنیم؛ اما از سایر حکام خائن سکوت شده است، بیانات و کارهای مندرس (کهنه و فرسوده) سیاسی اوست، که ادعاهای دروغینی بیش نیستند؛ کاری که او را در جایگاه "مقت" قرار می‌دهد. آن‌که الله متعال در سوره‌ی صف از آن برحذر داشته است. او تعالی فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ [صف: 2-3]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا آنچه می‌گویید انجام نمی‌دهید؟ بزرگترین دشمنی است این‌که چیزی بگویید که انجام نمی‌دهید.

اردوغان و دیگران اگر جمود فکری که از اثر تعطیل اجتهاد و بی‌توجهی به زبان عربی در زمان حاکمیت عباسی‌ها و عثمانی‌ها نبود، نمی‌توانستند احدی از مسلمانان را بفریبند. دو مورد فوق از مهم‌ترین اسباب پوشیده ماندن استعمار بودند. بنابر این، برای اردوغان آسان است که کوتاه نظران را با عکس گرفتن از خود در مسجد، بلند کردن مصحف قرآن کریم، بیانیه دادن در مورد مسجد الاقصی و بناکردن مسجد ایا صوفیا چنانچه از قبل بوده است، تحقیر نموده و فریب دهد! این‌ها کارهایی اند که هر فرد مسلمان انجام می‌دهد، حتی پیره زنان. برای مسلمانانی که ولین آیات سوره‌ی "صف" را می‌خوانند، لازم است -به حقیقت اردوغان به عنوان حاکم در جایگاه امن و قدرت در نظر بگیرند- نگاهی بیندازند؛ نگاهی به نظامی که بر مبنای آن بر ترکیه که در زمان خلافت عثمانی‌ها پایتخت سرزمین‌های اسلامی بود، حکم می‌راند یا با بیداری و زیرکی در کارهای سیاسی او نگاهی بیندازند و ببینند که به کدام سو در حرکت و در مصلحت چه کسی است! با ارتش، مطبوعات، ثقافت، تجارت و سیستم‌های خویش با چه کسی همراه است و یا به موقف‌های مختلف او در برابر قضیه‌ی فلسطین مبارک، سوریه، لیبیا و غیر آن از آنچه گذشته و آنچه خواهد آمد، نگاهی بیندازند، در نهایت کسی که تدبیر داشته باشد، شخصیت مقوت اردوغان را درک خواهد کرد. وقت آن رسیده که ظالمین به فرعون و همراهانش ملحق شوند؛ نه این‌که یاری و نصرت شوند.

در ذیل آنچه خواهد آمد، نمونه‌هایی را از بیست‌سال دست‌آوردهای اردوغان از جایگاه سیکولریزم پیشکش خواهیم نمود! گمان نمی‌کنم بر مؤمنین، که به الله و روز آخرت ایمان دارند، پوشیده باشد؛ اما صرف جهت تذکر یادآوری خواهد شد.

اول؛ این‌که اردوغان با سرپرستی امریکا، در جایگاه سیکولریزم، نواده‌ی مصطفی کمال اتاترک است:

بعد از جنگ جهانی دوم در سال 1945م، برای امریکا زمینه‌های اقتصادی و سیاسی آماده شد تا در برابر انگلیس قدرت اول در رهبری جهان شود. به دلیل اهمیت سیاسی و جغرافیایی خاورمیانه، از نگاه امور مربوط به مسلمانان، امریکا حریصانه خواست در مرکز حکومت در ترکیه علی‌رغم نفوذ مزدوران انگلیس در زمان نابودی دولت عثمانی به دست مصطفی کمال، مزدور جنایت‌کار یهودی انگلیسی نفوذ کند؛ چنانچه روشن است امریکا در رسیدن به حاکمیت در ترکیه علی‌رغم انگلس چاره‌ای نداشت، جز این‌که نقش مکارانه‌ی اسلام معتدل را بازی کند که با مبدأ دموکراسی امریکا، که بر حل وسط استوار است، مماشات و نرم رفتاری داشته باشد. برای بازی کردن این نقش، چشمش به انتخاب اردوغان افتاد. این مسئله چند دلیل

داشت: اول این که احساسات مسلمانان ترک که آروزی حکومت اسلامی را داشتند، برای مزدورانش در حکومت ترکیه استخدام کند. علاوه بر آن، مقاله اقتصاد بود که امریکا توانست آن را در تبلیغات، برای آماده ساختن اردوغان، برای ریاست در ترکیه در سال 2002م، بعد از ملاقات های زیادی که امریکا، از قبل با وی انجام داد، پیشکش کند. این از یک سو؛ از سوی دیگر، امریکا کار خبررسانی را برای مسلمانان آسان ساخته و آن ها را به وجود رویکرد اسلامی در مرکز حکومت گمراه ساخت. این مسئله باعث شد اردوغان محور حرکات معتدل اسلامی قرار گیرد که بارزترین آن ها حرکت اخوان المسلمین است؛ آن هایی که قربانی رهبری تخیلی اردوغان شدند و از کجا می توانند دین را اقامه کنند. این حاکم سکولر، آن ها را به خیال امان یافتن، در گودال سکولریزم انداخته و با این کار میان آنان و مخلصین دعوت گفتاری و کرداری برای اقامه دولت خلافت اسلامی را شده فاصله قرار داده است؛ دولتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم به اقامه ی آن بعد از شکستن حکومت جبری بشارت داده است. آنجاکه می فرماید:

«...ثم تكون خلافة علي منهاج النبوة»

ترجمه: ... سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود.

برای کسانی که افکار سطحی و پوچ میانروی دارند، بعید نیست که چشمشان از پشت دیوار چیزی را دیده نتواند؛ اما اگر عقل های شان را با فکر مستنیر بکار اندازند، حقیقت اردوغان برای شان کشف خواهد شد؛ کسی که سیکولریزم را کشت کرده و جز نجاست ها و پلیدی هایش بدست نیاورده است؛ جایگاه دیروز ترکیه که مرکز دارالاسلام و پایتخت مسلمانان در زمان خلافت عثمانی ها بود، زمین تا آسمان فرق است. آن که به تمجید رسول الله صلی الله علیه وسلم به فتح قسطنطنیه مشرف شده بود؛ آنجا که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

«ستفتح القسطنطينية، ولنعم الأمير أميرها، ولنعم الجيش جيشها»

ترجمه: قسطنطنیه بزودی فتح خواهد شد، چه خوب امیری ست امیر آن و چه خوب ارتشی ست ارتش آن.

در مقابل اردوغان در ترکیه بجز نظام سیکولریستی که مصطفی کمال حکم می راند، حکومت نمی کند! اگر مصطفی کمال آذان را در مساجد ترکیه ممنوع ساخت، اردوغان نیز برای قانون حمایت از فاحشه های همجنس گرا در ترکیه در حضور خبری تصریح کرد. به فساد خود هم اکتفا نکرده؛ بلکه دیگران را نیز توصیه می کند؛ چنانچه برای محمد مرسی زمانی که حکومت را در مصر به دست گرفت، نیز توصیه نمود که بر مبنای سیکولریزم حکومت کند؛ زیرا نظام مناسبی برای حکومتداری است...؛ اردوغان بارها بسیار خوب تصریح نموده که سیکولر است و نظامش جز نظام سکولریستی هرگز چیز دیگری نیست. عکس مصطفی کمال جنایت کار را به عنوان رمز شخصیت و بلندپروازی هایش، در دفترش نصب نموده و هر سال دسته های گل تسلیم را به عنوان یادبود از تأسیس سیکولریزم در ترکیه بر قبر آن می فرستد...

این گونه اردوغان بارها ثابت ساخته که در سیکولریزم جز نواده ی مصطفی کمال و در سیاست هایش، جز مزدور امریکا چیز دیگری نیست؛ اما آنان احساس ندارند! اردوغان راست و دروغ را باهم آمیخته است؛ می گوید سیکولر هستم. در عین حال دعوی دفاع از اسلام را نیز دارد. برای کسی که از موقف های فریبدهی اردوغان پند نمی گیرد، وقت آن رسیده که حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را بیاد آورد؛ آنجا که فرموده است:

«أعاذك الله يا كعب بن عجرة من إماراة السفهاء، قال: وما إماراة السفهاء؟ قال: أمراء يكونون بعدي لا يهتدون بهدائيتي، ولا يستنون بسنتي، فمن صدقهم بكذبهم وأعانهم على ظلمهم فأولئك ليسوا مني ولست منهم ولا يردون علي حوضي، ومن لم يصدقهم بكذبهم ولم يعنهم على ظلمهم فأولئك مني وأنا منهم وسيردون علي حوضي»

ترجمه: ای کعب پسر عجره الله (متعال) ترا از فرمانروایی بی خردان پناه دهد! گفت: فرمانروایی بی خردان چیست؟ فرمودند: بعد از من فرمانروایی خواهند بود که طبق رهنمودم رفتار نمی کنند و به سنتم آراسته نیستند؛ پس کسانی که آنان را با دروغشان تصدیق کند و بر ظلمشان یاری شان دهد، آن گروه از من نیست! من از آنان نخواهم بود و بر حوضم وارد

نمی‌شوند و کسی که دروغ‌شان را تصدیق نکند و بر ظلم یاری‌شان ندهد؛ آنان از من هستند و من از ایشان هستم و بر حوضم وارد خواهند شد.

دوم؛ دست‌آورد اردوغان از قضیه فلسطین

قضیه فلسطین در نزد مسلمانان از قضایای راهبردی محسوب می‌شود. این قضیه در حقیقت قضیه‌ی یک امت است؛ نه قضیه‌ی فلسطین. اشغال صهیونیستی در سرزمین مبارک فلسطین در حالی بطول انجامیده که ماحول آن در سرزمین‌های اسلامی بیشتر از یک دولت و وجود دارد که نه سیر می‌شوند و نه هم از گرسنگی در امان اند. این درحالی‌ست که دولت اردوغان که گوش‌ها را از سروصدا و هشدارهای زیاد بر یهودی‌های غاصب با بیانات آهنگین - اما گفتارهای مناقض با عمل - به فغان آورده، در میان آن‌ها ست. متأسفانه ارتش ترکیه از لحاظ آمادگی‌های جنگی تقریباً ارتش پنجم جهان است؛ اما از دیدگاه اسلام هیچ ارزش و سنگینی برای دولتی که نظام حکومت در اسلام را تطبیق نکند و اسلام را با دعوت و جهاد بسوی جهان بدوش نکشد، نیست. اردوغان فریادهای عزاداری "وای اسلام!" را در مسجدالاقصی شریف می‌شنود؛ اما آن‌ها را به سخنان تسلیت، اندوه‌گینی و نوحه‌سرایی پاسخ می‌دهد؛ در حالی که اگر زنگ تلفونی از نهاد حکومتی آمریکا برسد؛ با ارتش ترکیه برای تنفیذ امر بادرانش می‌دود و با آن‌ها برای اجرایی شدن نقشه‌ها و توطئه‌های‌شان، گاهی جنگ با مخلصین به بهانه‌ی تروریست و گاهی برای چپاول اموال‌شان به بهانه‌ی آوردن امنیت و آرامش پیمان می‌بندد!

با این‌که سرزمین مبارک فلسطین از اردوغان دورتر از دیگر جاها نیست؛ آیا اردوغان ارتش خود را تاکنون برای آزادی فلسطین چنانچه در عفرین و غیر آن به حرکت در آورد، حرکت داده است؟! با بیانات ظاهری و زبان دروغین ادعای نصرت فلسطین را می‌کند؛ سپس با همان زبان بسوی مقرره‌ی آمریکا (را محل دو دولت) در سرزمین فلسطین، بدون حرج فرا می‌خواند؛ مثل این سخن را جز کسی که در ظاهر خائن و در ذاتش خبیث است، نمی‌گوید.

خواننده‌ی گرامی! برای درک قربانی‌های خیانت اردوغان همین کافیسیت که شمعون ببری در سال 2007م، پیش روی پارلمان ترکیه به زبان عبری گفت: ترکیه اعتماد قوی و محکمی ساخته است! آدمم تا از ترکیه بخاطر این کار تشکر کنم!

برای درک ناتوانی این حاکم مزدور، کافی است بیانیه‌ای شنیده شود که در آن گفته است: «ماضد دولت اسرائیل نیستیم؛ بلکه ما ضد اسرائیلی هستیم که مرتکب قتل می‌شود.» (منبع: شبکه‌ی الجزیره نشر مستقیم) و او ایلا! این بدترین گرفتاری خنده‌دار است که اردوغان گمان می‌کند در سرزمین فلسطین یا غیر آن حکومت یهودی باشد و در آن با آرامش پرسه زند. مگر اردوغان حقایق یهود را در کتاب الله متعال نخوانده که این چنین می‌گوید؟! یا این‌که فراموش نموده که فلسطین سرزمین اسلامی است، باید از لوٹ یهودیان غاصب پاک شود.

عجیب‌تر از اردوغان کسی است که با بیاناتش فریب خورده و دوستی صادقانه با یهود را درک نمی‌کند! آنان با افتخار پهلو به پهلو در معاملات تجاری، بافت امنیتی و روابط دیپلوماسی کار می‌کنند! اردوغان از اولین کسانی است که این روابط را امضاء کرده است. آنان نمی‌دانند که حاکمیت اردوغان از آن الله متعال است. از رضایت از کسی که الله متعال از او ناراض است، بپرهیزید و گرنه عذابی بر شما خواهد بود! مسلمان فقط از کسی راضی می‌شود که الله متعال از او راضی باشد! معیار رضایت و پذیرش و ناخوشنودی و رد خویش را معیار شرعی بسازید!

سوم؛ دست‌آورد اردوغان از کارهای سیاسی‌اش

اردوغان هم‌پیمان استراتژی‌یک آمریکا است و این امر از میان گفته‌ها و کارهایش به خوبی آشکار است. آمریکا زمانی که بر عراق در سال 2003م حمله‌ی نظامی کرد، پایگاه انجریلیک ترکیه را وسیله‌ی برطرف کردن موانع جنگ عراق قرار داد و در سال 2011م اردوغان برای محافظت از بشار اسد، مزدور آمریکا در سوریه، با سرکوب جریان اسلامی که برای اقامه‌ی دولت اسلامی بیرون آمده بود و علیه بشار اسد جنایت‌کار شعار می‌داد، لحظه‌ی تردید نکرد؛ سپس جیش الحر را که با ترکیه ارتباط داشت، جهت رهاسازی عملیات مانند عملیات "درع الفرات" که برای بشار اسد امکان می‌داد تا بر حلب غالب شود،

پراکنده ساخته و برای غالب شدن بر حلب کمک کرد! همچنین عملیات "غصن الزیتون" که به نظامیان بشار امکان داد تا داخل غوطه‌ی شرقی شوند!

ای کاش امریکا بر همین قدر از تسخیر اردوغان اکتفا می‌کرد! بلکه اردوغان عملیات خیلی زیادتری را برای فرمان‌برداری از بادرش انجام داده است که آخرین آن دخالت در امور لیبیا و ارمنستان با آذربایجان برای خدمت به امریکا بود.

برای اردوغان که اخیراً به دروازه‌های بانک‌های رهبران خیانت‌کار و دست‌نشانده، در امارات برای نجات دادن لیره‌ی ترکی از تورم‌گذاری می‌کند، زمانی‌که خود و ارتشش را در سوریه، لیبیا و آذربایجان و غیر آن استخدام می‌کند، سزاوار است قیمت و ارزش خویش را بداند! نه مسلمانان را در سوریه از طغیان بشار اسد آزاد می‌سازد و نه آنان را از بند حقت‌ر نجات می‌دهد و نه توان معالجه‌ی بی‌نظمی در نظام اقتصاد ترکیه را دارد؛ بلکه بسان برده‌گان در خدمت بادران زندگی می‌کند و امریکا با آخرین نفس‌هایش سعی دارد، همچون اردوغان نسخه‌های مشابه بیشتری در یمن، سودان یا در سوریه ایجاد کند! آنان مکر نمودند و مکرشان در نزد الله متعال است؛ اگر چه از مکرشان کوه‌ها جابجا شوند.

بدون شک، امت اسلامی بر اقامه‌ی دولت خلافت اسلامی راشده نزدیک‌تر از دو قاب تیر کمان و یا نزدیک‌تر از آنست! حزبی به میان آمده که با اهلش دروغ نمی‌گوید و آن حزب التحریر است که بر هدفش هشیار، بر طریقه‌اش صاحب بصیرت و بر ایده‌اش استوار است:

«... ثم تكون خلافة على منهاج النبوة»

ترجمه: سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود.

باذن الهی بزودی از شاهدان آن خواهیم بود.

برگرفته از شماره 433 مجله‌ الوعی

مترجم: حبیب اسلمی